

5 چند بیت در مورد عروسی ها

شب خوردن کیک هیچ، نیفتاد مرا
در آخر محفل، بنمود شاد مرا

در مقدم عاروس گلاب بار نمودند
چندین دست و پای را، افگا نمودند

داماد دریشی نو و، تیار سر نمود
بر سر قف شامپین و جمله ساری تر نمود

لین دراز و وقت زیادی بکار بود
حالانکه سر میز، غذا بیشمار بود

با یار خویش جام شریک نوشیدیم
زیرا که می و آب رکیک نوشیدیم

جمله بچه ها در کنار و پرسیدم
از زخم، دختر و پسر، شرمیدم

دختران برون، یکی سرافگنده نیامد
حاضر خائمان و نفسم زنده برآمد

نامزادم را ز خود یکبار کردم
اشتراک د ر آن من ناچار کردم

جمع مهمانان، سر بوتل نمودم
مشکلی پیدا که هرگز حل نمودم

مهمان شکوه از من کم بخت نمود
زیرا که در آنروز مرا وقت نبود

دربین ما ز چند سال گشته پدید
خوشی میفزایند ز آوان مدید

گیانچند کپور

شمپین را به پیک یکی داد مرا
خوش مالیده میده، با چای سیاه

باساز و رقص، شادی، سرشار نمودند
لخشنده فرش از قف شامپین نمودند

ساری بی شش هزاری، عاروس بر نمود
آهسه بُرو داخل محفل عروس شد

اعلان شد که نان به خوردن تیار بود
پیری طلب نان خشک کرد و برون رفت

آراستیم و جامه شیک پوشیدیم
فیوغه شاین ازم ترافیک گرفت

رقص برهنه و عربی را دیدم
خواهر خموش و عروس و مادرش خموش

تن برهنه دختری چو رقصنده بیامد
خُرد و کلان خانه، مست رقص تن به تن

در شتندس امت من اقرار کردم
رسم شادی بر اقارب هاست چون

خرچ بی پایان در هوتل نمودم
شد شکر رنجی ز مشروبی پدید

اندیشه افسرده مرا سخت نمود
تعظیم بجا نشد نه عرض حرمت

کورت مرچ و رسپشن و رُسوم جدید
دولی و شگهن، جنج و چه خوب رسم حناً